

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید احسان مرادی از شهدای حادثه تروریستی شاهچراغ

حرم‌های زمان اسلحه‌روی زائران کشیدند

■ صغری خیل فرهنگ

حادثه تروریستی و غمبار در حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) موجب شهادت ۱۳زائر حرم احمدبن موسی (ع) شد. چهارم آبان یک تروریست داعشی با سلاح جنگی به حرم شاهچراغ وارد شد و پس از به شهادت رساندن ۱۳هموطن و زخمی کردن ۱۹نفر و درگیر شدن با یک نیروی امنیتی حرم مطهر و با سرسپیدن نیروهای یگان ویژه، مهاجم نیز مجروح و پس از بستری شدن در بیمارستان به درک واصل شد. همان ساعات اولیه حمله تروریستی شیراز، داعش مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. حادثه‌ای که همه مردم را داغدار و ماتم زده کرد. امام خامنه‌ای در مورد آن فرمودند: «داغ عزیزان و نیز هتک حرمت حرم اهل بیت (ع) جز با جسست‌وجو از سر رشته این فاجعه آفرینی‌ها و اقدام قاطع و خردمندانه دربارۀ آن، جبران نخواهد شد.» در ادامه گفت‌وگوی ما با یحیی مرادی برادر شهید احسان مرادی از شهدای حادثه تروریستی شاهچراغ را که اهل استان همدان است، می‌خوانید.

■ رزمنده لشکر ۸۱زهری

یحیی مرادی برادر شهید احسان مرادی، اهل روستای ده‌پیار استان همدان است. گفت‌وگوی‌مان را با عرض سلام به ساحت امام حسین (ع) آغاز می‌کنند و می‌گویند: «برادرم احسان متولد سال ۱۳۴۳ بود و ۲۰سال در سازمان آب همدان به مردم خدمت کرد و خداوند مزد خدماتش را با شهادت داد. ایشان چهار دختر دارد که همه آنها ازدواج کرده و سر خانه و زندگی‌شان هستند. اخوی در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ در لشکر ۸۱زهری کرمانشاه خدمت کرد.»

■ قصه لیلی و مجنون

این برادر شهید ضمن برشمردن شاخصه‌های اخلاقی برادرش می‌گوید: «ما دو خواهر و دو برادر هستیم. برادر ما حکم پدر را برای‌مان داشت. من برادر کوچک خانواده هستم. ایشان ویژگی خاص شخصیتی داشتند. خیلی مبرام، مردم‌دار و با همه خوب و مهربان بود. اهل نماز اول وقت بود. حالا که به این مقام رسیده با خود فکر می‌کنم و می‌گویم او لایق شهادت بود و این نوع مرگ حقش بود. معتقدم او و شهدای دیگر حادثه شاهچراغ آنقدر خوب بودند که امام حسین (ع) آنها را برای خودش برد.

یکی از شاخص‌ترین ویژگی برادرم این بود که به همسرش محبتی خاص داشت و توجه زیادی به ایشان می‌کرد. همسر برادرم هشت سالی می‌شود که سکنه مغزی کرده و نیاز به پرستاری داشت. ایشان در این مدت مانند یک فرزند از همسرش نگهداری کرد و همه کارهای ایشان را با احترام و عزت انجام داد. شما قصه لیلی و مجنون را شنیده‌اید، اما من در زندگی برادرم و همسرش به چشم دیده‌ام. خادم همسرش بود. همه آنها قصه بود، اما ما با واقعیت این عشق سروکار داشتیم. آنها لیلی و مجنون زمان خودشان بودند. خالصانه در خدمت خانواده‌اش بود. حیف بود در بستر به‌میرد. ارادتش به اهل‌بیت (ع) زبانزد همه بود. عاشق امام حسین(ع) و امام‌ز(ع) بود. برادرم خیلی دیر به کربلا رفت. پیش از این اگر کسی به کربلا می‌رفت و می‌آمد، به او می‌گفت اینجاچی که شما از آن تعریف می‌کنید، بهشت است! چرا قسمت ما نمی‌شود که برویم. امسال قسمتش شد و رفت. عید نوروز لحظه تحویل سال در حرم ارباب‌مان حسین(ع) بود و مطمئناً دعای حول حالنا برای او در جوار ارباب‌مان حسین شهادت بود. کمی بعد برادرم به زیارت امام رض(ع) مشرف شد و بعد هم زیارت شاهچراغ و شهادت... امام حسین (ع) در حرم شاهچراغ مهمانش را تحویل گرفت. ما گناهکار بودیم که مانندیم و امید داریم که گناهان‌مان بخشیده و شهادت نصیب ما هم شود.»

■ آرزوی شهادت

یحیی مرادی از روزهای حضور برادرش در جبهه و آرزوی شهادتش در راه دفاع از اسلام می‌گوید: «برادرم دو سال در جبهه حضور داشت. بسیار غیرت ی و روی ناموس حساس بود. زمانی که سوره جنگ شد و بی‌حرمتی داعشی‌ها به زنان مسلمان سوری را می‌شنید، می‌نشست و با خودش کلنجار می‌رفت و به آنها بد و بیراه می‌گفت. به من می‌گفت، اگر غیرت دارند با مردان‌شان روبه‌رو شوند، چرا دختر و زنان را می‌برند و بچه‌ها را می‌کشند؟! خیلی ناراحت بود و می‌گفت خداپا چه کنیم دست ما به آنها نمی‌رسد. خیلی از این وضعیت و شرایط جنگ در سوره ناراحت بود.

من و برسم آرزو داشتیم به سوره برویم. خیلی پیگیری کردیم، اما



برادرم ۳۰سال در سازمان آب همدان به مردم خدمت کرد و خداوند مزد خدماتش را با شهادت داد. ایشان چهار دختر دارد که همه آنها ازدواج کرده و سر خانه و زندگی‌شان هستند. اخوی در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ که اوج جنگ بود، در لشکر ۸۱زهری کرمانشاه خدمت کرد

نشد که برویم. به برسم گفتم تو کاری کن بتوانی بروی... از او خواستم همراه بچه‌های افغانستانی راهی شود. به یک خانم افغانستانی گفته بود شما مادر من باش و رضایتنامه‌ای امضا کن که در آن اجازه بدهی من به جبهه مقاومت بروم و از حریم آل‌الله و حرم عمه سادات دفاع کنم. من و داداش می‌گفتیم باید یکی از خانواده ما راهی شود و از حریم اهل‌بیت(ع) دفاع کند. ما هم باید سهم خود را در دفاع از حریم اهل بیت (ع) بدهیم که قسمت‌مان نشد برویم.»

■ سفر شاهچراغ

«ما همیشه پیگیر اخبار بودیم. ساعت شش غروب بود که شبکه خبر زیرنویس خبر فوری رفت. در حرم شاهچراغ حمله تروریستی شده است، اما امار دقیقی در دست نیست. من تهران ساکن هستم، برادرم و خانواده‌اش در همدان. کمی که گذشت نگران شدم. حدود ساعت هشت و نیم بود که یکی از دخترانش با من تماس گرفت. گریه می‌کرد، گفتم جان عمو چه شده؟! دهنم رفت پیش مادرش که خدایی نکرده اتفاقی برایش افتاده باشد. برادرزاده‌ام گفت عمو جان به داد ما برس. گفتم دختر جان بگو ببینم چه شده؟ گفت بابا و مامان دیروز به شاهچراغ رفتند و امروز به حرم

حمله تروریستی شده است!

زمانی که حمله شد مادرم در حرم بوده و خادمان ایشان را نجات داده‌اند، اما می‌گویند بابا تیر خورده است! این را که گفت دنیا روی سرم خراب شد. گفتم دختر جان اشتباه نمی‌کنی؟! گفت نه، فقط می‌گویند مجروح شده است. بدون معطلی به سمت شیراز راه افتادم. ساعت ۹صبح بود که رسیدم. اصلاً به شهادتش فکر نمی‌کردم. نمی‌دانستم آنقدر لایق شده که شهادت در جوار اهل‌بیت (ع) نصیبش شود.

وقتی به شیراز رسیدم، ابتدا پیگیر همسر برادرم شدم. گویا وقتی این اتفاق افتاد همسر ایشان خودش را به گوشه‌ای می‌رساند و پنهان می‌شود و بعد از حادثه یکی از خانم‌های خادم ایشان را به خانه خودشان می‌برد و از او مراقبت می‌کند. من با شماره همسر برادرم تماس گرفتم و بعد از صحبت با آن خانم خادم توانستم او را پیدا کنم، اما او خبری از برادرم نداشت و من به خاطر شرایط جسمانی ایشان در مورد وضعیت برادرم صحبتی با او نکردم. برادرم نه بین شهدا بود و نه بین مجروحان.

چند بیمارستان را گشتم و نهایتاً همان خانم خادم تماس گرفت و با گر به گفت برادرتان به فیض شهادت رسیده است. گفتم خداروشکر ایشان به بالاترین درجه رسیده و این آیه را با خود زمزمه می‌کردم که ولا تحسین الذین... انتقام خون این شهدا را خدا خواهد گرفت.

■ انکسر ظهري

این برادر شهید از آخرین وداعش با پیکر برادر شهیدش هم برایمان می‌گوید: «بعد از تأیید شهادت برادرم، پیکرش را دیدم. لب‌هایم را روی لب‌های برادرم گذاشتم، صورت به صورت او تا شاید دلم آرام شود. آرام نشدم، گفتم خدایا کاری کن تا دلم آرام شود. کرم شکست و یاد جمله امام حسین(ع) کنار پیکر برادرم افتادم که گفت انکسر

ظهري....

گفتم یا حسین (ع) قربان قلب شکسته‌ات در کربلا چه کشیدی؟ کنار پیکر برادرت چه حالی داشتی؟ خدا عالم است که آن نانچیه‌ها هیاهو، شادی و هلهله کردند. داعش صفت‌های می‌خواهند مردم را از مکان‌های مقدس دور نگه دارند، به این بهانه ترور می‌کنند و می‌کشند. داعش که زاده وهابیت و دست‌پرورده امریکا و اسرائیل است، تنها کاری که می‌تواند کند، همین ترورهاست، اما از پیاد برده که اینجا مملکت امام‌زمان(عج) و امام‌حسین(ع) است. صدها از این دست عملیات‌ها هم نمی‌تواند ما را از راهی که رفت‌ایم و می‌رویم، برگرداند. این انقلاب خون می‌خواهد و قطعاً خون شهدا باعث صلابت درخت تنومند جمهوری اسلامی خواهد شد. اینها شکست خواهند خورد، تمام تلاش‌شان را کردند تا نهضت امام‌حسین(ع) را شکست دهند، اما شما ببینید بعد از گذشت سال‌ها از قیام عاشورا نام امام‌حسین (ع) همچنان بر زبان‌هاست اما نام یزید از زبان‌ها افتاده است. آنکه مسیخی است، حتی در خانه امام‌حسین(ع) را می‌زند و حوالتش را

بعد از گذشت سال‌ها از قیام عاشورا نام امام حسین (ع) همچنان بر زبان‌هاست، اما نام یزید از زبان‌ها افتاده است. آنکه مسیخی است حتی در خانه امام‌حسین(ع) را می‌زند و حوالتش را طلب می‌کند، اما چه کسی در خانه یزید می‌رود؟! این تروریست‌های داعشی از اخلاف یزیدی‌ها هستند



▸نمایی از حرم شاهچراغ پس از حمله تروریستی

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۳۳

از راست به چپ

■ ۱- خشکی- از ایام هفته- سنگ قبر ■ ۲- دو چهارم احیا- نام سابق مشکین‌شهر- کاپیتان فقید اسبق فوتبال ایران ■ ۳- ثامن‌الائمه- شهری در ترکیه- مرغ می‌رود ■ ۴- همسایه الجزایر و سنگال- قسمت چوبی اسلحه ■ ۵- شاعر ملی و مبارز شیلی مؤلف من هستم- مادر حضرت رسول- کبوتر صحرایی ■ ۶- به معنای دشت با حرفی اضافه- غلاف شمشیر- طبقه‌بندی ■ ۷- پستی، تپاهی- خدای هندو- تیراندازی کردن ■ ۸- افزودن انگلیسی- سرسبزی- سیر و گشت- پسوند شباهت ■ ۹- افسانه- مالدار- شهری در امریکا ■ ۱۰- هر چیز نوظهور- سنگ بزرگ- گاهی مهربان‌تر از مادر می‌شود ■ ۱۱- نوعی موتور- طبقه زمین- همیشگی ■ ۱۲- قرقه- تپه‌کار- بیدار کاغذ- تخت جمشید ■ ۱۳- خسیس- اثر جامی- زشت ■ ۱۴- از زبان‌های زنده دنیا- افسار- حرف انتخاب ■ ۱۵- از نام‌های خورشید- پهلوان طبرستانی عهد عباسیان- از مصالح ساختمانی

از بالا به پایین

■ ۱- پشت‌میز نشین- ضربه‌ای در الویال- نام قدیم سوریه ■ ۲- مهم‌ترین عامل ماندگاری و صلابت انقلاب اسلامی در جهان امروز ■ ۳- رود مرزی ایران و عراق- بادها- جرب ■ ۴- صورت- نمک سازگار با غده تیروئید- واحد اندازه‌گیری صدا ■ ۵- انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی- پسر خورشید در اوستا- با فهم ■ ۶- قانون مغولی- بسیار کشنده- پایتخت تبت ■ ۷- خشخاش- علامت اختصاری نیروی انتظامی بود- خرد و کوچک ■ ۸- ستاره برزیلی پاری‌سن‌ژرمن- گیره مو ■ ۹- پول موجود- گیاه- نام گاندی ■ ۱۰- قرقه- تپه‌کار- بیدار ■ ۱۱- شتر تندرو- نوعی ادویه عالم ■ ۱۲- چراغ اویز- دارای گنجایش، فراخ- جوی خون ■ ۱۳- از طوایف غیور- علم احصائیه- جنگل درختان سوزنی برگ ■ ۱۴- سردار دل‌ها ■ ۱۵- بام زاگرس- فراهم- ترکیب آب در ساختار شیمیایی



عبدالحمید الفتی / تسنیم

طلب می‌کند، اما چه کسی در خانه یزید می‌رود؟

نمی‌شود با پول دین خرید. با پول خون خریدا! این خون‌بار ریخته می‌شود. ان‌شاءالله ریشه وهابیت کنده شود. این را هم بگویم که اگر این شهادت‌ناباشان، در طول زمان نور امام‌حسین(ع) از یاد‌ها می‌رود. این شهادت‌ها یادآور تاریخی عاشورا و نهضت امام حسین(ع) است. این تفکر وهابیت و داعش از همان زمان یزید مانده است. فکر نکند یزید و حمله تمام شده، نه آنها همان یزیدیان و حمله‌ها هستند که اسلحه روی زائران می‌کشند.

اگر وقت کنید صحنه‌ها دوباره تکرار می‌شوند. ما خودمان ذاکر و مداح اهل بیت (ع) هستیم، نام امام‌حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) دلمان را بی‌تاب می‌کند. آنکه غیرت عباسی در وجودش دارد، تکلیفش مشخص است و آنکه غیرت ندارد، اینگونه می‌شود که علیه نظام و کشورش سنگ‌پراکنی می‌کند. پرچم ایران بالاست. پرچم امام‌حسین (ع) بالاست. شما ببینید پرچمی را می‌سوزانند، در جای دیگر ده‌ها پرچم بالا می‌آید. کسی که نام‌الله را آتش بزند، سرنگون خواهد شد. هر چه ما بایکشد، قاسم سلیمانی را بکشند ۱۰۰ تا قاسم سلیمانی زنده می‌شود. اینها به هیچ جایی نمی‌رسند. به امید خدا حضرت آقا پرچم جمهوری اسلامی را به دست امام زمان (عج) خواهد داد. ان‌شاءالله زمانی که صوت انالهمدی را می‌شنویم، این شهدا هستند که در صف اول همراه امام خواهند بود. وقتی همسر برادرم به خانه رسید، خبر شهادت را به او گفتم. با توجه به رابطه صمیمی که با هم داشتند، این اتفاق برای ایشان بسیار دردناک بود.»

■ تشییع مثال‌زدنی

این برادر شهید در پایان به شکوه مراسم تشییع پیکر شهدای حادثه تروریستی شاهچراغ اشاره می‌کند و می‌گوید: «همه استان شیراز منت سر ما گذاشتند و به خوبی از ما و شهدای‌مان پذیرایی کردند. الحمدلله تشییع باشکوهی بود. مردم همدان هم در تمام لحظات کنار ما بودند. اینها از الطاف و انفاش الهی است که نصیب‌شان شد. اینگونه ترورها نمی‌تواند خیلی در اراده مردم برای حضور در مساجد و حرم اهل بیت (ع) ایجاد کند.

عده‌ای هم هستند که دائم از عبارات کار خودشان است استفاده می‌کنند. مگر می‌شود کسی دلش بیاید که اینطور مردم‌ش آسیب ببینند. فکر نکنند ما تأمین هستیم یا چیزی دیگر. به خدای محمد ما زندگی ساده‌ای داریم، اما اجازه نمی‌دهیم دشمنان از شرایط کشور سواستفاده کنند، چرا باید حرف از داخل خانه ما بیرون برود. راستش را بخواهید من به برادرم حسادت می‌کنم. شهادت نصیب هر کسی نمی‌شود. داغ برادر سخت است، کمر می‌شکند، اما شهادت عاقبت خوبی بود که نصیب برادرم شد. از خدا می‌خواهم سعادت شهادت در راه اسلام و حق رانصیب کند. همه جان و مال من فدای اسلام و ولایت ان‌شاءالله. از خدا می‌خواهم خادمی خانواده برادرم را نصیب من کند و اجر این خادمی شهدا را به من بدهد. من پیکر برادرم را برای تدفین به همدان آوردم، با اینکه شرایط تدفین در حرم بود، اما به خاطر خانواده‌شان و دوری راه، ایشان را به روستای خودمان منتقل کردم. بچه‌هایش بی‌تابی می‌کردند و به خاطر دل آنها و دل همسرش همین جادف کردم که هر مرتبه دلشان برای بابا گرفت، بتوانند خیلی راحت سر مزار پدر شهیدشان حاضر شوند.»

	۷			۳	۴	۵
	۴			۸		۳
۹			۷			
۶	۱					
				۵	۶	۹
		۳	۸			
		۸	۱			
				۶	۷	
			۴	۷	۹	

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴
۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸
۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷
۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵
۲	۱	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۸	۷	۶	۵	